■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۹ | ۲۹ رجب ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۸۹۸ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Saturday - March 13, 2021

حدیث روز: **تحف‌العقول**

امام صادق(ع): مصلحت زندگی و معاشرت اجتماعی به پیمانه‌ای پر می‌ماند که دو سوم آن هوش و زیرکی و یک‌سومش نادیده‌گرفتن و تجاهل است.

واحه: **حافظ**

هرگه که دل به عشق دهی خوش دمی بود
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

امروز در تاریخ:

- درگذشت آیت‌ا... سیدابوالقاسم کاشانی(۱۳۴۰ش)
- درگذشت سیدحسین میرشمسی، از چهره‌های ماندگار و پدر واکسن ایران(۱۳۸۷ش)
- درگذشت علی معلم، منتقد و تهیه‌کننده سینما(۱۳۹۵ش)
- درگذشت استیون هاوکینگ، فیزیکدان و کیهان‌شناس انگلیسی(۱۳۹۶ش)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۱۴ — غروب آفتاب: ۱۸/۱۰
اذان مغرب: ۱۸/۲۸ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۳۲
اذان صبح (فردا): ۴/۵۳ — طلوع خورشید(فردا): ۶/۱۷

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	اهواز	اصفهان	بوشهر	تبریز	رشت	شهرکرد	مشهد
۹ / ۲	۲۲ / ۱۲	۱۶ / ۱-	۲۱ / ۱۵	۴ / ۴-	۵ / ۱-	۱۰ / ۵-	۶ / ۴-

حکمت ۷۵: **نهج‌البلاغه**

هر چیز که شمردنی است پایان می‌پذیرد و هر چه را که انتظار می‌کشیدی، خواهد رسید.

خودنویس

پس‌انداز رمق

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

عصر جمعه چسبناکی است. خیلی عصر جمعه است. باران فلفل نمکی‌ای هم دارد می‌بارد. نیمه دوم اسفند به بعد مثل ساعت ۲ بعدازظهر است. برای یک کارهایی خیلی دیر است و برای یک کارهایی خیلی دیر دیر. مثل دقایق پایانی یک بازی فوتبال است. یک بازی سرد که احتمالا نتیجه مساوی‌ای هم دارد. تو امیدواری اتفاقی بیفتد و روی سکوها ایستاده‌ای و دست در جیبت کرده‌ای و منتظری بازی تمام شود. یک جوری که انگار فرقی هم ندارد بروی یا بنشینی. چون اتوبوس‌های خارج از ورزشگاه بعد از بازی راه می‌افتند و برای تو فرقی نمی‌کند اینجا منتظر باشی بازی تمام شود یا این‌که بروی روی نیمکت ایستگاه اتوبوس بنشینی و منتظر بمانی. سال هزار و سیصد و کرونا دارد تمام می‌شود. ماهی به دمش رسیده و ما منتظریم بهار برسد و شاید اتفاقی نو و جذاب بیفتد و همین امید است که آدمی را زنده نگه می‌دارد.

هر سال سر سفره هفت‌سین بعد از دعاهای معمول، می‌نشینم برنامه‌ریزی می‌کنم که در این سال جدید چه کارهایی در عرصه زندگی‌ام باید انجام بدهم. امسالی که در آنیم. لحظه سال تحویل، تنهای تنهای تنها بودم. کرونا گرفته و لاجون بدون این‌که همسر و فرزندانم کنارم باشند. تنهایی سخت و کشنده‌ای بود. مهم‌ترین و اولین برنامه‌ای که در آن تلخی تنهایی برای خودم ریختم این بود که کمتر سفر بروم. کمتر تنهایشان بگذارم و بیشتر دل به دلشان بدهم.

سال، سال کرونا بود و سخت. خیلی از ماها برنامه‌هایمان به هم ریخت. خیلی از تکه‌های پازل زندگی‌مان پریشان شد و دوباره صفر شدیم. من نه روان‌شناسم، نه سخنران انگیزشی. حرفم این است. خدا همه بغض‌ها و بینی بالاکشیدن‌ها و دردهای توی سینه‌مان را دید. قربان صدقه‌مان رفت و از صبوری‌مان کیف کرد. روزهای کرونایی، سال کرونایی، دغدغه‌های کرونایی و داغ‌های کرونایی یک روز کمرنگ و حل می‌شوند. بخار می‌شوند. این روزها را یک جوری مدیریت کنیم که برای روزهای بعد از کرونا رمقی برای زندگی کردن داشته باشیم. همین.

گفت‌وگو با نسیم عرب امیری، طنزنویس

خانه‌تکانی در حال انقراض است

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

چند روز پیش با دوستی درباره خانه‌تکانی صحبت می‌کردیم و این که دهه پنجاهی‌ها و تا حدودی دهه شصتی‌ها آخرین نسل‌هایی هستند که به پدیده خانه‌تکانی نزدیک عید اعتقاد دارند و آن را هنوز انجام می‌دهند. خانم‌ها از بهمن‌ماه معمولا برنامه‌ریزی را شروع می‌کنند و دست به کار می‌شوند و آقایان هم هر چند مثل قدیم نق می‌زنند و اما و اگر می‌آورند اما به هرحال از جایی به بعد دست به کار می‌شوند و یاری را شروع می‌کنند. این را می‌توان در صفحات مجازی آنها چه در اینستاگرام و چه توییتر دید. مردهای متعلق به این دهه‌ها که در این شبکه‌های اجتماعی حضور فعالی دارند با عکسی، متنی یا شوخی‌ای اعلام می‌کنند تسلیم و در خانه‌تکانی سهیم شدند. اما از دهه ۷۰ به بعد دیگر به وضوح می‌توان نشانه‌های مقابله با خانه‌تکانی را دید. حالا مادرها هم باید برای این مراسم سخت و انرژی‌بر برنامه‌ریزی و هم فرزندان را متقاعد کنند که باید خانه‌تکانی کرد. قرار هم نیست بچه‌ها در این کار به پدر و مادر کمک کنند. فقط قبول کنند این خانه هنگام سال نو و نوروز باید تمیز شود و برق بیفتد. دهه ۷۰ به بعد اما به‌سختی زیر بار این کار می‌روند. خانه‌ای که هر روز یا هر هفته تمیز می‌شود دیگر به خانه‌تکانی اساسی پایان سال نیاز ندارد. نسل امروز بر این باورند که خانه را در طول سال باید جوری تمیز کرد که خانه‌تکانی نیاز نداشته باشد. نسل امروز مثلا تمیز کردن پشت یخچال و پشت اجاق گاز و ماشین لباسشویی را بیشتر شبیه شوخی می‌دانند: «مامان... آنجا را کی می‌بیند؟» حالا صد دلیل بیاور که تمیزی برای خودمان است و قرار نیست کسی ببیند و اگر تمیز نشود فلان می‌شود و بیسار. نسل امروز به شستن پرده‌ها به صورت هر سال هم اعتقادی ندارد: «مامان... کجای این پرده‌ها سیاه شده... کو؟ دوده‌ای که می‌گویی کو؟» و امثال این سوال‌وجواب‌ها نه باری از روی دوش مادر برنمی‌دارند بلکه اعصاب او را هم می‌فرساید به‌خصوص اگر موضوع تمیز کردن، اتاق بچه‌ها را هم شامل شود. آن‌وقت است که آشوب و جار و جنجالی به پا می‌شود که بیا و ببین. نسلی که با اصل موضوع خانه تکانی مساله دارد، اجازه بدهد اتاقش تکانده هم بشود؟!

نظم در بی‌نظمی

نسیم عرب‌امیری، فیلمنامه‌نویس و طنزپرداز که به دهه ۶۰ تعلق دارد با خنده می‌گوید: خدایی در این باره که راست می‌گویند. اتاق ما شاید از دور و از نظر پدر و مادرها و دیگران به هم ریخته و نامنظم باشد و به تکاندن و نظم‌دهی نیازمند باشد. اما برای خودمان نظمی دارد که خودمان از آن سردر می‌آوریم. مثلا من که نویسنده هستم و روی تکه‌کاغذی چیزی یادداشت کرده‌ام که به کارم می‌آید، اگر آن نظم به هم بریزد، گیج می‌شوم و نمی‌توانم کاغذم را پیدا کنم. البته ما دهه‌شصتی‌ها هنوز هم مقید به خانه‌تکانی و همکاری در این کار طاقت‌فرسا هستیم اما دهه ۷۰ به بعد دیگر زیر بار این کار نمی‌روند. البته این را هم اضافه کنم از سال قبل که کرونا آمد، آنقدر هر روز می‌شوییم و می‌سابیم که امسال واقعا خانه‌ها به خانه‌تکانی نیازی ندارد و آنها که این فریضه را انجام نداده‌اند بهتر است بی‌خیالش شوند.

برای نسل من یا قبل‌تر از من خانه‌تکانی یک حسن و لذت دیگری هم داشت و آن پیدا کردن چیزهایی بود که یا حواسمان به آنها نبود یا گم‌شان کرده بودیم؛ مثلا گوشه کمد یا جیب لباس، آن گمشده را پیدا می‌کردیم و کلی خوشحال می‌شدیم. یک اتفاق خوب دیگر هم که در خانه‌تکانی می‌افتاد و الان کمتر آن را تجربه می‌کنیم، انجام یک کار گروهی در درون خانواده بود. خانواده‌ای که پرجمعیت‌تر از خانواده‌های امروزی بود. پنج‌شش تا بچه بودیم و وظیفه خودمان می‌دانستیم به مادر و پدر کمک کنیم، هر چند گاهی هم نق می‌زدیم اما پای کار بودیم. الان هم خانواده‌ها کم‌جمعیت شده‌اند و معمولا یک بچه دارند و هم مادرها ترجیح می‌دهند از یک کارگر کمک بگیرند یا کلا کار را به کارگر بسپارند. برای همین مشارکت اعضای خانواده در خانه‌تکانی کمتر شده است.

نسل فراری از خانواده

سبک زندگی ایرانی‌ها تغییر کرده، این را باید قبول کنیم. قبلا اعضای خانواده زیاد بودند و مثل الان نبود که هر بچه‌ای برای خودش اتاقی داشته باشد که آن را قلمروی خودش بداند و کسی نباید به آن قلمرو وارد شود یا نظم داخلی آن را به هم بریزد. این شورش در مقابل سنت‌ها به‌خصوص سنت خانه‌تکانی از دهه ۶۰ شروع شد و در دهه‌های بعد به اوج رسید. تفکر در دهه‌شصتی‌ها شکل گرفت. حالا همان دهه‌شصتی‌ها پدر و مادر شده‌اند و هرچند به تمامی سنت‌ها را کنار نگذاشته‌اند اما نمی‌توانند فرزند یا فرزندان خود را متقاعد کنند سنت‌ها باید حفظ شود، مثلا با آمدن بهار که همه چیز تازه می‌شود حال و هوای خانه هم باید نو شود و غباری و کثیفی در آن نباشد.

راستش را بخواهید الان دنیای بچه‌ها آنلاین است و اینترنتی. آنها به‌خصوص در یک سال گذشته که آموزش و درس خواندن آنلاین شد، بیشتر منزوی شده و به دنیای اینترنت وابستگی بیشتری پیدا کردند. مراودات و صحبت‌ها و دیدارها هم بیشتر آنلاین شده. به نظرم این آسیبی است که تعریف خانواده را تغییر داده و بیشتر هم آن را عوض خواهد کرد. نسل امروز زیاد تمایلی به دیدارهای فامیلی ندارد. وقتی مهمان به خانه می‌آید به اتاقش می‌رود و کمتر در جمع حاضر می‌شود. برخی بچه‌ها حتی پدر و مادر خود را به‌نام کوچک صدا می‌زنند. این موضوع، ایجاد خلا عاطفی می‌کند. مسلما کلمات بابا و مامان، بار عاطفی بیشتری از نام کوچک دارد. پدر و مادرها دارند به عابربانک‌هایی تبدیل می‌شوند که فقط باید پول بدهند و لوازم زندگی و آسایش فرزندان را تهیه‌کنند. انگار برادر یا خواهر بزرگ‌ترند که مخارج را تامین می‌کنند. به نظرم این گسست عاطفی بین خانوادگی در آینده، آسیب‌های زیادی را باعث می‌شود. الان نوجوانان و جوانان بیشتر دیدارهای خود را آنلاین برگزار می‌کنند. در این شرایط است که مثلا اتاق دوست خود و لوازم آن را می‌بینند و پدر و مادرها را مجبور می‌کنند لوازم اتاق آنها را جوری بخرند و بچینند که از اتاق و خانه دوستشان کمتر نباشد. دیدارهای حضوری هم بیشتر در کافه‌ها و پارک‌ها شکل می‌گیرد و همه اینها مفهوم خانه و خانواده که در فرهنگ ما ایرانی‌ها معنا و مفهوم ویژه‌ای داشت را کمرنگ می‌کند.

طرح: جام‌جم

کافه میرداماد

جزیره‌ای به‌نام اتاق من

من نویسنده بر این باورم که می‌توانیم با کتاب‌های جذاب و آثار نمایشی دیدنی و جذاب به نسل امروز یادآوری کنیم صاحب فرهنگ و سنتی هستیم که روابط بین افراد خانواده‌اش آنقدر معنا و عاطفی بود که اعضای خانواده دچار خشکی عاطفی نمی‌شدند. باید یادآوری کنیم افراد خانواده در کنار هم می‌توانند خوشی‌های کوچک و بزرگ را تجربه کنند و نباید این ساختار زیبا و منسجم از هم بپاشد. برای نوشتن فیلمنامه به زندگی و رفتار نوجوانان زیاد نگاه می‌کنم. رفتاری که در آنها روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود، تلاش و پشتکار است. بیشتر خانواده‌ها یک فرزند دارند و همه چیز را برای آن یکی فراهم می‌کنند و آن بچه دیگر نیازی به تلاش و پشتکار نمی‌بیند. والدین غول چراغ جادویی هستند که همه چیز را برای او می‌خرند. دهه‌های قبل تعداد بچه‌های یک خانواده زیاد بود و وسع مالی پدر و مادرها اجازه نمی‌داد برای بچه‌ها هرچه می‌خواهند، فراهم کنند. برای همین ما اگر چیزی می‌خواستیم یا باید برای آن خیلی صبر و شرایط را فراهم می‌کردیم مثلا خیلی بچه خوب و حرف گوش کنی می‌شدیم یا باید آن را به شکل آرزویی حفظ می‌کردیم تا خودمان دستمان به جیبمان برود آن را بخریم. اما الان شرایط کاملا عوض شده. این شرایط با آموزش ترمیم شود وگرنه در آینده نه چندان دور ما با خانواده‌هایی روبه‌رویم که هر کدام از اعضای آن در جزیره اتاق خود به تنهایی زندگی می‌کند.

مقطع حساس کنونی

روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی و چندرسانه‌ای و غیره

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

قندوزخان، از امرای شاهکارشاه، سومین پادشاه سلسله شاهکارشاهیان.که به مدت صدوچهل‌وسه سال بر نواحی ماوراءالنهر فرمان‌راند، امیری مردمدار و دست‌به‌خیر بود و هر فقیری که با سند بدهی یا استشهاد محلی به او مراجعه می‌کرد به او پول می‌داد و می‌گفت: این قرض است و زمان بازپرداخت آن بعد از مرگ شاهکارشاه است. روزی عده‌ای از بدخواهان قندوزخان که به مقام و مرتبه و جایگاه وی در نزد شاهکارشاه حسادت می‌کردند نزد شاهکارشاه رفتند و گفتند: ای پادشاه بزرگ چه نشسته‌اید که قندوزخان پول‌های مملکت را بین رعایا توزیع می‌کند و از آن بدتر این‌که می‌گوید موعد بازپرداخت پول بعد از مرگ شاهکارشاه است. شاهکارشاه که از این اقدام قندوزخان بسیار خشمگین شد و دستور داد او را نزد وی حاضر کنند. پس از آنکه وی نزد پادشاه حاضر شد، شاهکارشاه روبه وی کرد و گفت: شنیده‌ام به مردم پول می‌دهی؟ قندوزخان گفت: بلی سرورم. شاهکارخان ادامه داد: و شنیده‌ام می‌گویی هروقت من مردم پول را پس بدهید. قندوزخان گفت: بلی سرورم. شاهکارخان گفت: پس آرزوی مرگ مرا داری؟ قندوزخان گفت: من گل بخورم. شاهکارشاه گفت: پس چی؟ قندوزخان گفت: اولا آنها که زیرآب مرا پیش شما زده‌اند آدم‌های پاچه‌خوار و الدنگی هستند. ثانیا من پول‌ها را به مردم می‌دهم و موعد بازپرداخت آنها را بعد از خدای‌نکرده مرگ شما تعیین می‌کنم برای این‌که مردم بروند و به درگاه الهی تضرع کنند که عمر پادشاه دراز باشد و موعد بازپرداخت ما حالاحالاها نباشد. شاهکارشاه در فکر فرو رفت و گفت: عجب. قندوزخان ادامه داد: ضمن این‌که بعد از خدای‌نکرده مرگ شما که همین سرداران به جان هم می‌افتند تا جانشین شما شوند و اوضاع مملکت رو به نابسامانی می‌گذارد، مردم این پول‌ها را پس می‌دهند تا پشتوانه پولی مملکت در نابسامانی‌ها باشد. شاهکارشاه که احساس کرد کلا زود قضاوت کرده از قندوزخان تجلیل شایسته‌ای به‌عمل آورد و وی را با حفظ سمت که مدیریت کنترل کیفیت بهاری بود به سمت مدیر روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی و چندرسانه‌ای شاهکارشاهان منصوب نمود و تا پایان سلسله به کار خود ادامه داد.

مرور و عبور
جام‌جم ۲۰۰ سال قبل

همکاری کشاورزی بین ایران و ژاپن

جمهوری اسلامی ایران و ژاپن قرارداد همکاری کشاورزی به ارزش دومیلیون دلار امضا کردند.

این قرارداد را صباغ، معاون برنامه‌ریزی و بودجه وزارت جهادکشاورزی و توروایکه اوچی، نماینده دفتر همکاری بین‌المللی ژاپن در تهران امضا کردند. این قرارداد برای رسیدن به توسعه پایدار در کشاورزی کشور منعقد شده است. این طرح در ۸۰هزار هکتار از زمین‌های استان گلستان اجرایی می‌شود. (صفحه ۲)

جایزه زرشک زرین برای سینمای ایران

در فروردین سال ۸۰ انجمن منتقدان و نویسندگان ایران برگزیدگان خود را از میان فیلم‌های بخش مسابقه سینمای ایران جشنواره فیلم فجر معرفی خواهد کرد.

برگزیدگان انجمن منتقدان در رشته‌های بهترین فیلم، بهترین کارگردان و بهترین فیلمنامه طی مراسمی روز شنبه ۲۵فروردین در محل سینماتک موزه هنرهای معاصر برگزار خواهد شد. همچنین سه فیلمی که از سوی اعضای انجمن به عنوان بدترین فیلم‌های سال ۷۹ انتخاب شده‌اند، عنوان زرشک زرین را دریافت خواهند کرد. این فیلم‌ها از میان آثاری که در فاصله بهمن ۷۸ تا بهمن ۷۹ به نمایش عمومی درآمده‌اند، انتخاب خواهند شد. (صفحه ۳)

گلوله‌های میخی اسرائیلی‌ها بر بدن مردم فلسطین

نظامیان رژیم صهیونیستی یک فلسطینی را با شلیک گلوله‌های میخی سوزنی به شهادت رساندند.

شبکه تلویزیونی دبی با اعلام این خبر گفت: جسد این فلسطینی به سبب این گلوله‌ها تکه‌تکه شده بود. این نخستین بار است که نیروهای اسرائیلی بر ضد فلسطینیان از گلوله‌های میخی استفاده می‌کنند. (صفحه ۱۵)

«مرد مرده» به تلویزیون می‌آید

به‌زودی برای اولین‌بار فیلمی از جیم جارموش، کارگردان معروف آمریکایی از تلویزیون پخش خواهد شد.

این فیلم «مرد مرده» نام داد و جارموش آن را در سال ۱۹۹۵ ساخته است. داستان فیلم درباره جوانی به‌نام ویلیان بلیک است که برای کار در یک کارخانه به غرب آمریکا می‌رود. دیکنسون، صاحب کارخانه او را با خشونت طرد می‌کند و بلیک مدتی بعد در یک درگیری ناخواسته پسر دیکنسون را می‌کشد و در راه فرار از دست مردان دیکنسون با سرخپوستی به‌نام هیچ‌کس آشنا می‌شود. آن دو سفر پرماجرایی را با هم شروع می‌کنند. بلیک مرد خشنی می‌شود و افراد بسیاری را می‌کشد و در یک درگیری به‌شدت زخمی می‌شود و هیچ‌کس افراد قبیله‌اش او را در حال مرگ به دریا می‌سپارند. این فیلم به مدیریت ناصر طهماسب دوبله شده و منوچهر والی‌زاده به‌جای جانی دپ در آن صحبت می‌کند. (صفحه ۳)

گمبیل، برنده جایزه ۳۵۰هزار دلاری تنیس

ژان میشل گمبیل از آمریکا قهرمان مسابقات تنیس ۳۵۰هزار دلاری فلوریدا شد. گمبیل در دیدار پایانی خاویر مالیه از بلژیک را با نتیجه ۲ بر صفر مغلوب کرد. گمبیل این مسابقه را ۷ بر ۵ و ۶ بر ۴ برد. در همین حال در دور پایانی رقابت‌های تنیس آریزونا فرانسیسکو کالوت از اسپانیا فاتح این رقابت‌ها شد. کلاوت در دیدار پایانی مگنوس و نورمن از سوئد را در دو ست پیاپی با نتایج ۶ بر ۴ و ۶ بر ۲ مغلوب کرد. (صفحه ۱۵)